

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

استاد ستار حبیب
۲۱ فبروری ۲۰۲۴



استاد ستار حبیب

آزادی را نباید فدای آبادی کرد!

ملت ار بداند ثمر آزادی را برکند از بن ریشه استبدادی را

آزادی مقوله مقدسی است که به خاطر حصول آن آگاه ترین و بدانش ترین مردمان یک جامعه قربانی می شوند پس بهای آزادی را می توان ازین جا حدس زد.

اولا باید آزادی را از انار شیزم و اوباشیزم مجزا و تفکیک کنیم در نخست باید بگویم که هیچ انسانی آزاد مطلق نبوده و نیست و ناگزیر است تابع قوانین طبیعت و قوانین اجتماعی حرکت کند.

آزادی در واقعیت امر یعنی انتخاب قانون درست است طور مثال راننده ای که در جاده تمام قوانین رانندگی را در نظر دارد و عملی می کند سر انجام بدون حادثه به منزل مقصود می رسد این خود آزادی است پس می توانیم که بگوئیم آزادی یعنی انتخاب قانون صحیح.

آزادی از دید سیاسی یعنی تقبل مسؤولیت با پاسخگو بودن.

آزادی در یک جمله یعنی آماده ساختن زمینه و شرایط مساعد برای رشد عقل و در نتیجه بار آمدن انسان های سالم از لحاظ فزیک و روانی. از این جا است که ما به مقام عالی آزادی پی می بریم. انسان های خلاق و مبتکر تربیت شده همچو یک جامعه ای می باشند و نه جوامع استبدادی. در جامعه اگر آزادی وجود داشته باشد انسان های این جامعه با یک چهره تربیت می شوند به گفته فروغ فرخزاد آنهایی که در ظاهر دست مرا می بوسند ولی در ذهن خود طناب دار مرا می بافند. این گفته فروغ معرف یک جامعه استبدادی است. پس آزادی سبب می شود تا انسان های سالم از لحاظ فزیک

وروانی تقدیم جامعه گردد. در جامعه ای عقل رشد می کند که در آنجا شرایط مذاکره، استدلال و بیان اندیشه و نظریات بدون سانسور وجود داشته باشد. آزادی عامل اصلی و اساسی رشد عقل و به بلوغ رسیدن آن است

چون استدلال ورد و بدل کردن نظریات و اندیشه های بدون سانسور غذای عقل است که سبب رشد و انکشاف آن می شود پس باید آزادی را محترم شمرد آن را در محراق قرار داد و از آن به دفاع برخاست و قربانی داد. انسان های سالم از لحاظ روانی محصول جوامعی می باشند که در آن جا آزادی وجود دارد انسان های یک چهره و یک رنگ محصول این گونه جوامع است. در یک جامعه آزاد انسانهای دو روی وجود نخواهد داشت. زیرا عقل و اخلاق باهم رابطه تنگاتنگ دارند و در جامعه ای که عقل رشد نموده متناسب به آن اخلاق هم رشد و ارتقا نموده است

در جامعه ای که آزادی وجود ندارد عقل هم تعطیل شده است. جامعه ما که طولانی ترین دوران استبداد را تجربه می کند نتایج این استبداد را بعد از کودتای ثور کاملاً زیر نظر داریم بسا ویرانی های زیر بنائی مادی و معنوی ما به دست مردمان کشور ما صورت گرفته است که اگر زمینه و شرایط اندیشیدن در گذشته برای آنها مساعد ساخته می شد دیگر کشور به سوی بر بادی کشانیده نمی شد در کشوری که آزادی وجود نداشته باشد منافع ملی هم اثر انگشتی در آنجا وجود نخواهد داشت. در جوامعی که آزادی وجود نداشته باشد یعنی سیستم های استبدادی حاکم بوده و باشد مردم همچو جوامع به مثابه گوسفندانی هستند که توسط چند چوپان اداره می شوند این خود اهانت به مردمان آن جامعه است.

فقط اندیشیدن است که انسان را به مقام انسانی می رساند و به گفته یکی از دانشمندان که گفته بهترین سرمایه نه دین است نه نفت و نه معدن بلکه آزادی برای مناظره و مفاهمه است که انسان های سالم به جامعه تحویل می دهد و در غیر آن انسان های مریض هر آنچه آباد شده با تغییر شرایط سیاسی به دست خویش ویران می کنند.

انسان های سالم می اندیشند خلق می کنند از آنها حمایت و نگهداری می نمایند.

در طول تاریخ کشور ما به جز سیستم های استبدادی حاکم به سر نوشت ملت ما چیز دیگری وجود نداشته و هیچ یک ازین سیستم های استبدادی بر تری به دیگری نداشته است چون همه استبدادی بوده اند.

وقتی ما به صفحات مجازی متوجه می شویم جز اسلام و عدالت اجتماعی مضمون دیگری به نظر نمی آید.

مردم ما که اصلاً با آزادی آشنائی ندارند تا برای دفاع از آن به پا خیزند و از آن دفاع کنند.

گاهی از عدالت نام می برند بدون آگاهی از استقلال سیاسی و آزادی واقعی آیا می شود از عدالت اجتماعی سخن زد

شعار ها تا دیروز مجاهد و حکومت اسلامی بود ولی دیدند که تشت رسوائی شان از بام پائین افتاده حال مقوله آزادی را فریاد می زنند و آزادی نزد این آقایان فقط سهم گرفتن و شریک قدرت سیاسی شدن است.

با آه و افسوس که امروز جامعه ما به سوی نابودی کشانیده می شود در جامعه ای که اندیشیدن و بیان عقاید و نظریات از مردم سلب می گردد در همچو جامعه است که عقل به زوال رفته تعطیل می شود عواقب همچو جامعه و مردم را خود حدس بزنید.

آزادی در واقعیت امر به مثابه اکسیجن است که بدون آن جامعه به ناتوانی سوق داده می شود.

به هیچ نحو و شکلی نمی توان آزادی را تعدیل یا تعویض کرد و بدیلی هم برای آزادی وجود ندارد.

و در رأس همه مانند شهامت که تکیه گاه دیگر صفات انسانی است قرار دارد. خوشحالیم در ظاهر که وطن ما در عرصه های انکشافی به پیشرفت نایل می شود این پیشرفت زمانی قابل تأیید و تمجید است که در مسیر ارتقاء و رشد علمی و ذهنی مردم ما اثر گزار باشد اما به عکس در خدمت ویرانی و بربادی مردم و جامعه ما قرار گرفته، جنگ های تقریباً نیم قرن سبب شده تا گراف درصد زنان از مردان سیر صعودی داشته باشد.

زنان تحصیل یافته اولین معماران یک جامعه پیشرفته در طول تاریخ بشری بوده اینها هستند که اولاد سالم از لحاظ جسمی و روانی را به جامعه تقدیم می کنند و هیچ جامعه ای بدون زنان تحصیل یافته به ترقی و پیشرفت دست نیافته است. منع و جلوگیری دختران از تحصیل نه مطابق آیات و نه مطابق به حدیث بلکه اطاعت و فرمانبرداری از نظریه چرچیل سیاست مدار نظریه پرداز استعمار انگلیس است که گفته : زنان را تحقیر کنید توهین و شکنجه نمائید من تضمین می کنم که اگر هزار سال هم سپری شود این جامعه به ترقی و انکشاف نخواهد رسید . آیا در جامعه ما جز تطبیق این نظر چیز دیگری تصور می شود ؟

*- امید است که کمی وکاستی های این نیشته را نقد نموده و در پختگی آن سهم خویش را ادا نمائید.